

کارل گوستاو یونگ

روان‌شناسی انتقال

ترجمه

پروین فرامرزی - گلناز رعدی آذرخشی

سرشناسه	یونگ، کارل گوستاو. ۱۸۷۵ - ۱۹۶۱ م. Carl Gustav Jung
عنوان و نام پدیدآور	روان‌شناسی انتقال / کارل گوستاو یونگ: ترجمه پروین فرامرزی، گلناز رعدی آذرخشی.
مشخصات نشر	مشهد: آستان قدس رضوی، شرکت به‌نشر، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	۲۰۰ ص
فروست	به نشر (انتشارات آستان قدس رضوی): ۱۳۵۱.
شابک	978 - 964 - 02 - 1671 - 2
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا.	
یادداشت	The psychology of the transference. 1954. : عنوان اصلی. 1969.
یادداشت	کتابنامه به صورت زیرنویس.
موضوع	انتقال (روان‌شناسی)
موضوع	کیمیا و کیمیاگری
شناسه افزوده	Hull, Richard Frands Carrington
شناسه افزوده	فرامرزی، پروین، ۱۳۲۲ - . مترجم
شناسه افزوده	رعدی آذرخشی، گلناز، ۱۳۲۳ - . مترجم
شناسه افزوده	شرکت به‌نشر (انتشارات آستان قدس رضوی).
رده‌بندی کنگره	RC ۵۰۶/۹۹۹۰۰۱۳۹۰
رده‌بندی دیویی	۱۵۰ ۱۹۵۱
شماره کتابشناسی ملی	۱۳۹۶۰۹۰



۱۳۵۱

روان‌شناسی انتقال

کارل گوستاو یونگ

ترجمه پروین فرامرزی - گلناز رعدی آذرخشی

چاپ اول / ۱۳۹۰

۲۰۰۰ نسخه / وزیری

چاپ: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی - به‌نشر

شابک: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۰۲ - ۱۶۷۱ - ۲

حق چاپ محفوظ است.

به نشر (انتشارات آستان قدس رضوی)

دفتر مرکزی: مشهد، ص. پ. ۹۱۳۷۵/۴۹۶۹ و ۹۱۳۷۵/۱۵۷، تلفن ۷۶۲۵۰۰۱۳، نمابر ۷۶۵۲۰۰۶

دفتر تهران: ۸۸۹۶۰۶۲۰، ۸۸۹۶۲۳۰۱، نمابر ۸۸۹۶۵۹۸۲

آدرس اینترنتی: www.behnashr.com پست الکترونیک: publishing@behnashr.com

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

۵	یادداشت ناشر
۷	پیش گفتار
۱۱	یادداشت مترجم
۱۷	تعبیر توأم با سلسله‌ای از تصاویر کیمیا
۱۹	مقدمه
۵۷	گزارشی دربارهٔ پدیده‌های انتقال
۵۹	چشمه سیماب
۶۷	شاه و ملکه
۹۵	حقیقت عریان
۱۰۱	غوطه‌وری در خزانهٔ حمام
۱۰۹	پیوند
۱۲۱	مرگ
۱۳۳	عروج جان
۱۴۱	پالایش
۱۵۱	بازگشت جان
۱۷۷	مولود جدید
۱۹۵	سخن آخر

فهرست تصاویر

تصاویر یک تا ده عبارتند از صفحات کامل برگرفته از گراور چوبی کتاب

Rosarium Philosophorum, secunda pars alchimia de lapide philosophico
(Frankfurt 1550)

تصاویر یازده تا سیزده عبارتند از صفحات کامل بدون شرح برگرفته از کتاب

Mutus liber in quo tamen tota philosophia hermetica... depingitur

(رک، کتابشناسی).

شرح آن‌ها در صفحه صد و نود و شش، پانوشت یک آمده است.

- | | |
|-----|--------------------------|
| ۶۲ | ۱- چشمه مرکوریال (سیماب) |
| ۷۰ | ۲- شاه و ملکه |
| ۹۶ | ۳- حقیقت عربان |
| ۱۰۴ | ۴- غوطه‌وری در حمام |
| ۱۱۱ | ۵- پیوند |
| ۱۲۴ | ۶- مرگ |
| ۱۳۴ | ۷- عروج جان |
| ۱۴۲ | ۸- بالایش |
| ۱۵۳ | ۹- بازگشت جان |
| ۱۷۹ | ۱۰- مولود جدید |

یادداشت ناشر

در آثار کسانی از مغرب زمینیان که در موضوع فلسفه، جامعه‌شناسی و علوم انسانی کتاب و مقاله نوشته‌اند به ویژه در جایی که به حوزه مذهب و معنویت ملل شرق و به خصوص مسلمانان نزدیک شده و به نقد و داوری پرداخته‌اند، مطالب شبهه‌برانگیز و تخطئه‌کننده کم نیست. از چه‌جا در بسیاری موارد داوریهای مغرضانه و موضع‌گیریهای عنادآمیز برخی از نویسندگان از روی عمد و به منظور هدم و هتک ارزشهای معنوی جوامع شرقی و از خود بیگانه کردن ملل مظلوم کشورهای جهان سوم باشد. از این رو هر انتقال فرهنگی که از جانب غرب به سوی شرق صورت می‌گیرد، همواره متضمن خطر عظیمی است که هیچ‌گاه نباید از آن غافل بود. اما این نمی‌تواند سبب آن باشد که ما از آن‌چه در آثار اندیشمندان غربی درباره حیات معنوی و معتقدات مذهبی‌مان آمده است بی‌خبر بمانیم و از شیوه‌های تحقیق و روشهای تنوع در مسائل ذهنی و مفاهیم معنوی که آنان در پیش گرفته‌اند، آگاه نشویم، زیرا جهان استعماری امروز، علاوه بر تکیه بر علوم و فنون و ابزار پیچیده، در حوزه نفسانیات و علوم انسانی نیز خود را به دانشهای نوین مجهز کرده است تا در هر زمینه دستی توانا داشته باشد و در اجرای طرحها و اعمال خواسته‌های خود توانمند باشد. بدیهی است در این میان ملت‌هایی که در معرض هجوم نیروهای استعماری‌اند، هر چه از ترفندهای حریف زورمند ناآگاه‌تر باشند، تأثیرپذیرتر و در قبال خطر، کم مقاومت‌تر خواهند بود. به همین دلیل، به گمان ما شایسته است، جامعه مسلمان ما به ویژه جوانان دانش‌پژوهان، نه تنها علوم تجربی و فنون و مهارتهای گوناگون و روشهای تحقیق علمی را از سرچشمه‌های اصلی آن فراگیرند، بلکه با آرا و افکار متفکران و نظریه‌پردازان بزرگ غربی که در شکل‌گیری جهان‌بینی‌ها و ایجاد مکتبهای علمی و اجتماعی سهمی تعیین‌کننده داشته‌اند، آشنایی یابند و متکی بر اعتقادات محکم و مجهز به اندیشه‌های منسجم اسلامی، با جریانهای فکری جهان غرب رودررو شوند تا اگر نکته‌ای مثبت و سازنده در آنها می‌یابند، آن را

اخذ کنند و گرنه از موضع درک و بینش درست به دفع و رد محتوای انحرافی آنها بپردازند.

در پی چنین هدفی است که به ترجمه و نشر اثری از «کارل . گوستاو یونگ» طیب، روان‌کاو و فیلسوف سونیسی، شاگرد، همکار و بعدها معارض زیگموند فروید دست داده‌ایم. این دو روان‌کاو، هر دو در زمینهٔ نفسانیات آدمی و حالات روانی او دست به تجربه زدند و به تحلیل کنشهای روانی انسان و ریشه‌یابی آن پرداختند و با بازکردن دری به درون نهفتهٔ آدمی فصلی تازه در تاریخ روان‌شناسی گشودند. آنها با عرضهٔ آرا و نظریه‌هایی بی‌سابقه، در حوزهٔ روان‌شناسی و روان‌پزشکی مکتبی را پی افکندند که با وجود همهٔ مخالفت‌هایی که برانگیخت، به نحو عمیق و همه‌جانبه‌ای، نه تنها تمامی عرصهٔ روان‌شناسی و روان‌درمانی، بلکه بسیاری از قلمروهای دانشهای اجتماعی، انسان‌شناسی و هنر و ادبیات را تحت تأثیر قرار داد. در واقع تمامی حوزه‌های تفکر و اندیشه، پس از ربع اول قرن حاضر، ابتدا در مغرب زمین و سپس در تمامی عالم، به نحای گوناگون، کم یا بیش، مستقیم یا غیرمستقیم از رنگ و بوی آرای فروید و یونگ تأثیر پذیرفتند. در این میان، یونگ به خاطر نگاه عمیقی که به انسان در شبکهٔ روابط اجتماعی و تاریخی او انداخت و به لحاظ آن که ساختار روانی آدمی را در حوزهٔ حیات اجتماعی و در عرصهٔ تاریخ مورد بررسی و مطالعه قرار داد و در نهایت به وضع نظریهٔ «ناخودآگاه جمعی» پرداخت، از اهمیت بیشتری برخوردار است.

البته ما براین عقیده نیستیم که مکتب روان‌شناسی یونگ حاوی همهٔ حقایق در این زمینه است، اما از آنجا که مکتب روان‌شناسی او، معروف به مکتب زورینگ، در کنار مکتب روان‌شناسی فروید، معروف به مکتب وین، با طرح مفاهیم تازه و تداول شیوه‌های بدیع تحقیق و تحلیل در زمینهٔ روان‌شناسی و روان‌پزشکی انقلاب عمیقی را ایجاد کرده و خصوصاً در حوزهٔ نقد ادبیات و هنر و اسطوره‌شناسی راه‌های نویی را گشوده است و بیش از همه به دلیل آنکه با معیارهای جدید علمی به اثبات «روح» و عوالم روحانی پرداخته است، برای او اهمیت قایلیم و خواندن آثارش را سودمند می‌شماریم.

پیش گفتار

هر که از روان درمانگری تجربه‌ای عملی داشته باشد می‌داند فرایندی که فروید آن را «انتقال» نامید، غالباً نشانگر مسأله‌ای دشوار است. شاید گزاف نباشد اگر بگوییم که تقریباً تمام مواردی که مستلزم درمان طولانی است حول و حوش پدیده انتقال می‌گردد و به نظر می‌رسد که توفیق یا عدم توفیق در امر درمان به‌طور اساسی، وابسته به آن است. از این‌رو، روان‌شناسی نمی‌تواند این مسأله را نادیده بگیرد یا از آن حذر کند. روان‌درمانگر هم نباید تظاهر کند که به اصطلاح «حل و فصل انتقال» امری عادی است. ما این‌گونه خوش‌بینی را در مورد «والایش» یعنی فرایندی که به انتقال بسیار مربوط است نیز می‌بینیم. اغلب اوقات مردم در خصوص این پدیده‌ها به‌گونه‌ای حرف می‌زنند که گویی می‌توان آن را با منطق، هوش، اراده و یا با قوه ابتکار و هنر طبیعی مجبور به روشی عالی حل و فصل کرد. این نگرش خوش‌بینانه و دلجویانه هنگامی به قدر کفاف مؤثر است که شرایط کاملاً ساده نبوده و قرار نیست نتیجه آسانی به‌دست آید. اما این عیب را دارد که پیچیدگی مسأله را پنهان می‌کند و به این دلیل مانع بررسی عمیق‌تر و یا موجب تعویق آن می‌شود؛ گرچه من اصولاً با فروید توافق داشتم که در مورد اهمیت انتقال مشکل بتوان غلو کرد، اما افزایش تجربه، ناگزیر مرا متوجه کرد که اهمیت آن نسبی است. انتقال مانند آن دسته از داروهایی است که برای یکی نوشدارو و برای دیگری زهر ناب است. پیدایش آن، در موردی دال بر تغییری برای بهتر شدن اوضاع است و در موردی دیگر مزاحم و مایه آزار می‌باشد؛ البته اگر تغییری برای بدتر کردن اوضاع نباشد و در مورد سوم، نسبتاً عاری از اهمیت است. به بیان کلی، انتقال پدیده‌ای اساسی است با سایه روشن‌های گوناگونی از معنا که عدم وجود آن همان اندازه اهمیت دارد که وجود آن.

من در این کتاب به شکل «کلاسیک» انتقال و پدیده‌شناسی آن پرداخته‌ام. از آن‌جا که انتقال نوعی رابطه است. همواره مستلزم رویارویی است. وقتی منفی است و یا اصلاً وجود ندارد. که معمولاً نیز این چنین است. رویارویی نقش مهمی بازی نمی‌کند. مثلاً وقتی که یک عقده حقارت همراه با نیاز جبرانی برای ابراز وجود در میان است^۱.

شاید برای خواننده عجیب به نظر برسد که برای بررسی مسأله انتقال باید به چیزی همچون نمادگری کیمیایی رجوع کنم. اما هر کسی که کتاب روان‌شناسی و کیمیاگری^۲ را خوانده باشد می‌داند میان کیمیاگری و پدیده‌هایی که به دلایل عملی باید در روان‌شناسی ناخودآگاه به آن‌ها توجه کرد چه رابطه نزدیکی وجود دارد. بدین دلیل اگر بیند این پدیده که به حکم تجربه بسیار متداول و مهم است در نمادگرایی و انگاره‌پردازی کیمیاگری نیز جاری برای خود دارد. تعجب نخواهد کرد. این‌گونه صور ذهنی، احتمالاً باز نمودهای آگاهانه رابطه انتقال نیستند. بلکه ناآگاهانه این رابطه را می‌پذیرند. و به همین دلیل است که باید از آن‌ها به عنوان سرخ آریادنه^۳ استفاده کنیم تا در بحث خود هدایت شویم.

خواننده در این کتاب هیچ گدوشی در خصوص پدیده‌های بالینی انتقال نخواهد یافت. این کتاب خطاب به مبتدیانی نیست که نخست باید در مورد این مطالب اطلاعاتی کسب کنند. بلکه منحصراً خطاب به کسانی است که از رهگذر کار خویش تجربه کافی اندوخته‌اند. هدف من در این کتاب تدارک نوعی جهت‌یابی در این قلمرو جدیدالاکتشاف و هنوز ناشناخته. و آشنا کردن خواننده با مشکلات آن است. با توجه به مشکلات بررگی که در این جا گریبان گیر درک ما است. باید تأکید

۱- منظور این نیست که انتقال هرگز در این موارد رخ نمی‌دهد. شکل منفی انتقال به صورت مقاومت، بی‌زاری یا حتی نفرت. طرف مقابل را از بدو امر صاحب اهمیت بسیار می‌کند. ولو آن‌که این اهمیت منفی باشد؛ هم چنین باعث می‌شود که هر مانع قابل تصویری راه انتقال مثبت را سد کند. در نتیجه، نمادگرایی که خاص انتقال مثبت است و یعنی ترکیب اشداد نمی‌تواند بسط یابد.

۲- ترجمه پروین فرامرزی. نشر معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی. م

۳- Ariadne، در اساطیر یونان، شاهزاده خاتم کرتی که به تیسوس دل باخت و به او ریسمانی داد تا پس از کشتن مینوتاروس بتواند به مدد آن راه بیرون آمدن از لایرنت را پیدا کند - م

کنم که پژوهش من جنبه موقتی دارد. من کوشیده‌ام تا مشاهدات و ایده‌های خود را در کنار هم قرار دهم و به خواننده عرضه کنم، بدین امید که توجه او را به نکته خاصی جلب کنم که اهمیت خود را در طول زمان جبراً به من نشان داده است. بیم آن دارم تعریفی که ارائه می‌دهم برای کسانی که اطلاعاتی از آثار قبلی من کسب نکرده‌اند آسان نباشد. از این رو آثاری را که ممکن است از این لحاظ به کار آیند در بانوشته‌هایی نام برده‌ام.

ممکن است خواننده‌ای که کم و بیش بدون آمادگی به سراغ این کتاب می‌آید از میزان مطالب تاریخی که من در پژوهش خویش آورده‌ام حیرت کند. دلیل و لزوم باطنی این کار، این واقعیت است که فقط در صورتی می‌توان در خصوص مسأله روانی عصر حاضر درک و فهم درستی یافت که بتوان به نقطه‌ای خارج از زمان خویش رسید و از آن‌جا بدان نگرست. این نقطه فقط می‌تواند دوران گذشته‌ای باشد که با همین مسائل، گرچه تحت شرایطی متفاوت و صورتی دیگر، دست به گریبان بوده است؛ از این رو این تحلیل تطبیقی که بدین طریق امکان‌پذیر گشت، طبعاً گزارشی مشروح را درباره جنبه‌های تاریخی موضوع طلب می‌کرد. اگر سروکار ما با موضوعی آشنا بود که چند مآخذ و اشاره در خصوص آن کفایت می‌کرد می‌توانستیم این مطالب را به نحوی به مراتب موجزتر تعریف کنیم؛ اما افسوس که این چنین نیست، زیرا روان‌شناسیِ کیمیاگری مورد بحث، قلمرویی کم و بیش بکر است. بدین سبب باید فرض را بر آن نهیم که خواننده با کتاب روان‌شناسی و کیمیاگری من آشناست، زیرا در غیر این صورت درک کتاب فعلی برای او دشوار خواهد بود. خواننده‌ای که به سبب تجارب شخصی و حرفه‌ای خویش به قدر کافی با میدان مسأله انتقال آشنایی نداشته باشد علت این توقع خواهد بخشید.

با آن که کتاب حاضر می‌تواند کتابی خاص باشد، در عین حال مقدمه‌ای را برای گزارش مبسوطی درباره مسأله اضداد در کیمیاگری و پدیده‌شناسی و ترکیب آن‌ها، که بعداً در کتاب راز پیوند^۱ خواهد آمد، تشکیل می‌دهد. در این جا از همه کسانی که

۱ - *Mysterium Coniunctionis* - چهاردهمین جلد از مجموعه آثار یونگ که توسط پروین فرامرزی و فریدون فرامرزی به فارسی ترجمه و توسط انتشارات به نشر چاپ شده است.

دست نوشته مرا خواندند و معایب آن را گوشزد کردند تشکر می‌کنم و سپاس خاص خود را به دکتر ماری لوئیز فون فرانتس، به دلیل یابوری سخاوتمندانه‌اش، تقدیم می‌دارم.

ک.گ. یونگ

پاییز ۱۹۴۵

www.ketab.ir

یادداشت مترجم

کتاب حاضر که از آثار عمده پروفسور کارل گوستاو یونگ است، نخستین بار در ۱۹۴۶ به چاپ رسید. ترجمه انگلیسی کتاب (که برگردان فارسی از روی آن صورت گرفته است) در ۱۹۵۴ همراه با یازده مقاله کوتاه درباره مسائل روان‌درمانی در شانزدهمین مجلد از مجموعه آثار او منتشر شد.

به طوری که از عنوان کتاب می‌توان دریافت، موضوع آن انتقال است که از مباحث مهم روان‌شناسی است. انتقال در روان‌شناسی تحلیلی، پدیده‌ای است مشخص به فرافکنی ناخودآگاهانه افکار و احساسات و خیال‌پردازی‌های یک شخص به شخص دیگر. به عبارت دیگر، انتقال، فرافکنی محتویات ناخودآگاه است.

انتقال را نخستین بار فروید تعریف کرد^۱ و یونگ در ۱۹۰۶ در کتاب خود موسوم به «مطالعاتی در باب تداعی کلمه» شواهد و قرآنی را در خصوص تعریف فروید ارائه داد، اما به مرور زمان بنا به طرز نگاه خود به روان و شعور باطن یا ناخودآگاه، و تصور خویش از ناخودآگاه جمعی و صور مثالی^۲، و بر اساس تحلیل فرافکنی‌ها و رؤیاهای خود و سایر اشخاص، اعم از سالم

۱- انتقال در روانکاری، جا به جایی احساسات و نگرش‌های قابل انتقال به افراد دیگر (معمولاً والدین، همسر، معاصر).

۲- یونگ مانند فروید ناخودآگاه را مبنای انگیزش آدمی می‌داند، اما آن را صرفاً آنباشته از چیزهای ناپسند و نامقبول و واپس‌زده نمی‌داند، بلکه جایگاه خاطره‌های از یاد رفته و تصورات قدیم و اموری که هنوز مستعد ورود به خودآگاه نیستند نیز به شمار می‌آورد. علاوه بر این، ناخودآگاه را دارای دو لایه می‌داند - لایه‌ای فردی که مربوط به زندگی اختصاصی هر شخص است و لایه‌ای جمعی که آن را ناخودآگاه جمعی می‌خوانند. «ناخودآگاه جمعی مخزن خاطره‌ها و آثاری است که انسان از نیاکان دور خود و حتی غیر بشر (حیوانی) به ارث برده است.

و بیمار. و نیز مطالعات عمیق خویش در حوزه‌های مختلف علوم انسانی از جمله اساطیر و تاریخ کیمیاگری. تعریف اولیه انتقال را مانند برخی دیگر از مفاهیم روان‌شناسی به نحو شگفت‌انگیزی بسط داد و در مورد انتقال گفت که این پدیده صرفاً رابطه بیمار با روان‌درمانگر نیست؛ بلکه رابطه فرد با ناخودآگاه خویش و طیف روابط ممکن است که از توهم به بصیرت رهائی‌بخش می‌رسد. انتقال، رابطه فرد با کل حیات است.

یونگ دامنه تعریف انتقال را به کیمیاگری کشید؛ زیرا همان‌طور که انتقال را فراق‌کنی ناخودآگاه می‌دانست، کیمیاگری را زبان ناخودآگاه به شمار می‌آورد - زبان فشرده رمزآمیز و نمادین رؤیاها، اهرام، شهر و آثار خلاقه.

او برای روشن کردن تصور خود از پدیده انتقال، نماد فرایند کیمیایی را مثال گرفت؛ یعنی فرایند تبدیل کردن فلزات پست به طلا که کیمیاگران سده میانه، خیال می‌کردند به راستی امکان‌پذیر است. اما یونگ آن را فراق‌کنی یک فرایند روانی و درونی به واقعیت مادی و بیرونی به شمار می‌آورد.

به نظر او این فرایند کیمیایی، مظهر تلاش روان برای وحدت بخشیدن به عناصر پست (ناخودآگاه) و عناصر عالی (خودآگاه) در خویش است. او این فرایند را ذاتی روان می‌داند و آن را تفرّد می‌نامد. به زعم او پدیده انتقال، یکی از مهم‌ترین نشانه‌های فرایند تفرّد است. و فرایند تفرّد نوعی تلاش باطنی برای دست یافتن به خویشی خویش و تحقق خود است که در درون انسان رخ می‌دهد و همه توانایی‌های بالقوه انسان از رهگذر آن تحقق و تمامیت روانی حاصل می‌آید؛ تمامیتی که به نظر یونگ رابطه انتقالی ناخودآگاهانه حکایت از آن دارد و یونگ می‌کوشد تا آن را آگاهانه سازد. بدان امید که از این طریق سطوح عمیق وجود را که به نظر وی بیمار در رابطه تحلیلی، مکرر در مکرر تجربه می‌کند به ضمیر آگاه برساند او تحلیل انتقال

→ آدمی با این مخزن یا گنجینه که چکیده تجارب نسل‌های قبی است به دنیا می‌آید و این دنیا به همین دلیل مفهوم بالقوه‌ای در اندرون او دارد. این تجارب به ارث رسیده که ناخودآگاه جمعی ما را تشکیل می‌دهند، «مفاهیم کهن» یا «الگوهای جاودانه» یا «صور مثالی» و نظایر آن نامیده می‌شوند. «تحلیل رویا» تألیف ک.گ. یونگ، ترجمه رضا رضائی، نشر افکار.

«صور مثالی در زمینه نفسانیات، وضعی مشابه غرایز در قلمرو زیست‌شناسی انسانی دارند. بدین معنی که در سطح ساخت‌ها و تجسمات روانی به عنوان انگاره‌های عمل و رفتار محسوب می‌شوند.» - «روان‌شناسی و تعلیم و تربیت»، تألیف ک.گ. یونگ، ترجمه دکتر علی محمد برادران رفیعی، انتشارات جامی.

را بسیار حائز اهمیت می‌داند و معتقد است که هدف فرایند تحلیلی، صرفاً حلّ و فصل انتقال در سطح ناخودآگاه شخصی نیست؛ بلکه تبدیل کردن فلزات پست تجربه‌ای ناپخته به طلای تجربه‌ای یکپارچه است به طوری که شخصی یکپارچه می‌شود. به روایتی شاید بتوان با توجه به نظریه ناخودآگاه جمعی یونگ، چنین پنداشت که تحلیل انتقال از نظر او به معنای رساندن اقیانوس پهناور تجربه بشری به خودآگاه است.

اکنون با توجه به پیچیدگی ارتباط میان روان‌شناسی یونگ و کیمیاگری، شاید بی‌فایده نباشد که مقاله کیمیاگری تام‌اف. کاوالی را که اشاره‌ای به کیمیاگری است و برخی وجوه مشترک روان‌شناسی یونگ و کیمیاگری را با حدی تبیین می‌کند و توسط نگارندگان این یادداشت ترجمه شده است، در اختیار خوانندگان ارجمند قرار دهیم:

«کیمیاگران، طی هزاران سال کوشیدند تا فلزات بی‌ارزش را به فلزات گران‌بها تبدیل کنند و در این راه دریافتند که وسایل شیمیایی به تنهایی کفایت نمی‌کند، بلکه حالت خودآگاهی خودشان نیز باید تغییر کند. حقیقت امر این است که هدف واقعی کیمیاگران از کار خود، کسب خرد و بصیرت بود. کیمیاگران در سطحی شهودی می‌دانستند که قلب ماهیت فلزات امکان‌پذیر نیست؛ مگر آن‌که جوهر خودآگاهی خودشان عمیقاً دگرگون شود. ایشان بدین طریق زمینه ظهور شیمی و فیزیک نوین را فراهم آوردند و علاوه بر ابداع فرمول‌های شیمیایی، مجموعه‌ای از حکمت جاودانی روان‌شناسی را خلق کردند، اما از بیم آن‌که مبادا این اسرار به دست مردم ناصالح بیفتد، نسخه‌های خود را در لفاظی تصاویر سور رئالیستی و گفته‌های عجیب و حکایات غریب پوشاندند. رمزگشایی این زبان نمادین، مستلزم قوه تخیل عالی و دانش عمیق به اسطوره‌شناسی و روان‌شناسی عمقی است. تلاش یونگ برای رمزگشایی کارهای کیمیاگران در نوع خود بی‌نظیر است. او با معرفی هنر ایشان به علوم جدید نشان داد که کیمیاگری بیش از آن‌که پیش نمونه‌ای ارزشمند برای علم شیمی باشد، الگویی گرانقدر برای روان‌شناسی است.

شالوده کیمیاگری و روان‌شناسی یونگ را عناصر مشترک فراوانی تشکیل می‌دهند:

هر دو به وجود یک دنیای خودآگاه اشاره می‌کنند که لبریز از نیروی بالقوه‌ای است که صرف تجلی مادی ماده و ذهن می‌شود. سرب، آهن، جیوه، نقره و طلا، هم مظهر فلزات هستند و هم نماد حالت‌های خودآگاهی ما.

طلا، نماد خالص‌ترین فلز و در عین حال مظهر حالت بسیار پالایش یافته ذهن است. کیمیاگران این طلای غیر معمولی را حجرالفلسفه می‌نامند.

کار در این فرایندهای تغییر و تبدیل، با شناسایی مادهٔ اولی به عنوان نخستین و پست‌ترین نهاد آغاز می‌شود. کیمیاگران، مکرر در مکرر به نفرت انگیزترین مکان‌هایی که ممکن است این مادهٔ اولی در آن یافت شود اشاره می‌کنند. از منظر روان‌شناختی، این نقطهٔ آغاز، همان چیزی است که یونگ آن را سایه می‌نامد. این کهن الگو، آن بخش از خودآگاهی ما است که تکه‌پاره‌های عمل‌نیامدهٔ روان را دربرمی‌گیرد؛ یعنی ضعف‌ها، خاطرات تلخ و دردناک، عادات و غیره. سایه سمت تاریک ما است. هرگاه این محتویات پست را با هوشیاری به ضمیر آگاه برسانیم، سطح خامی از نهادی شکل می‌گیرد که می‌توان کارهای کیمیاگرانه را از آن‌جا آغاز کرد.

گرچه تعداد و ترتیب این کارها بین کیمیاگران فرق می‌کند، اما غالب اوقات، کارهای اساسی عبارتند از: تکلیس، حل عقد والایش، بالایش، تفکیک، پیوند و غیره.

چهار کار نخست با فرایندهای روانی خاصی که یونگ آن‌ها را کنش‌های روانی می‌خواند، تطبیق می‌کنند: مثلاً تکلیس با کنش شهودی، حل با احساسات، عقد با کنش ادراک حسی، و والایش با کنش تفکر. هر شخصیتی متشکل از ترکیب این کنش‌هاست که برخی به طور طبیعی کارآمد هستند و بقیه را باید به مدد کیمیاگری روان‌شناسانه به سطح پخته‌تری از کارآمدی رسانید. مبادرت به کارهای خاص، مستلزم مهارت و زمان‌بندی است و این فرایندی روانی است که یونگ آن را فرایند تفرد می‌نامد. این فرایند نیز مستلزم تخیل فعال، تأمل و کنکاش در رؤیایها است.

سرب، نماد شخصیت کودک است؛ اما به محض آن‌که این مادهٔ اولی پخته می‌شود، سه مرحله رشد را طی می‌کند. سه فلز اساسی که این پیشرفت ذهن و ماده را مشخص می‌کنند. عبارتند از: سرب در مرحلهٔ نخست نیگاردو، نقره در مرحله دوم الیدو، و طلا در مرحلهٔ نهایی رویو که رنگ‌های سیاه، سفید و قرمز، نماد آن‌هاست. از منظر خودآگاهی، «من» کودک از تاریکی مطلق به روشنائی شدید و نهایتاً به پیوند این دو می‌رسد.

در هر یک از این مراحل، از چهار عنصر آتش، آب، خاک و هوا استفاده می‌شود تا نیروی ذاتی که برای ایجاد تغییرات شدید در مادهٔ اولی لازم است بیرون کشیده شود. برای به کمال رسانیدن این عناصر باید تعادلی میان قوای مردانهٔ روح و قوای زنانهٔ جان به وجود آید؛ به عبارت دیگر، هر عنصر و کنش آن باید نیرومند و انعطاف‌پذیر شود. علاوه بر این، هر عنصر باید به یکپارچگی برسد تا قابلیت جوش خوردن با سایر عناصر را به دست بیاورد، بی آن‌که یکپارچگی خود را از دست بدهد.

شرایطی که دگرگونی در آن صورت می‌گیرد عبارتند از: نمک، گوگرد و جیوه. نمک که دارای طبیعت زنانه تصور می‌شود، نماد بطن هستی است که عناصر در آن تشکیل می‌شوند.

گوگرد، جرقه‌ای است که این عناصر را به حرکت درمی‌آورد و دارای منش مردانه است. جیوه، دارای خصوصیات مردانه و زنانه است و عناصر را قادر به جوش خوردن به یکدیگر می‌سازد و در عین حال، فردیت آن‌ها را حفظ می‌کند.

از منظر روان‌شناختی، طلا نماد هم‌آهنگی کامل همه فلزات است؛ در حالی که حجرالفلاسفه مظهر پیوند میان جوه‌های زمینی و روحانی است. طلا مظهر کمال «من» است و سنگ فلاسفه مظهر اتحاد «من» و روح خویشمن. این پیوند شاهوار اضداد، پیوندی است که در سه سطح صورت می‌گیرد: درون روان‌فردی، میان فرد و جامعه جمعی، و میان پیکره فردی - جمعی و دنیای روحانی - الهی.

این پیکره‌های روان‌شناختی که به ترتیب متناظر با این سه اتحاد یا پیوند می‌باشند، خویشتن حقیقی، خویشتن فردیت یافته و خویشتن الهی نامیده می‌شوند. انسان با هر دگرگونی متوالی شخصیت خویش به هشیاری وسیع‌تری در مورد خود، جهان و خدا، دست می‌یابد.

در یادداشت مترجم علاوه بر کتاب‌های یاد شده در زیرنویس‌ها، از کتاب‌های ذیل نیز کمک گرفته شده است:

* - «تاریخچه و مکاتب روان‌شناسی»، تألیف هنریک میزیاک و وبرجینیا استاوت کسسون، ترجمه احمد رضوانی، نشر معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.

* - «روان‌شناسی و دین»، تألیف کارل گوستاو یونگ، ترجمه فؤاد روحانی، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی و :

* - "A Guided Tour of The Collected Works of C.G.Jung", by Robert H. Hopck.

* - "In ternational Dictionary of Psychoanalysis", [2005,] Kirsch, Jean.